

Defense & Foreign Affairs Special Analysis

Founded in 1972. Formerly *Defense & Foreign Affairs Daily*
Volume XXXIII, No. 12 Tuesday, February 17, 2015

© 2015 Global Information System/ISSA.

Special Report

The Indian Ocean Shapes Up as the Dynamic Nexus of the 21st Century

Analysis. By Dr Assad Homayoun¹.

اقیانوس هند بصورت مرکز تماس های دینامیک قرن ۲۱ در آمده است

تجزیه تحلیل از دکتر اسد همایون

The Indian Ocean has already become the key focus of the global strategic and commercial contest for the 21st Century. The realization is slowly dawning in Europe and the Americas that this is the dynamic element of the new Asia-Pacific strategic architecture.

اقیانوس هند در حال حاضر مرکزی بصورت کلید استراتژیکی جهانی چه از نظر تجارت رقابتی یا استراتژیکی قرن ۲۱ در آمده است. این نظریه کم کم در اروپا و آمریکا سایه افکن میشود و بنیاد آرشیکتور استراتژی نونین آسیا و پاسیفیک را میگذارد.

And now, because of historical developments, Iran is very much at the heart of how the new Eurasian, Indo-Pacific, and African framework evolves.

اکنون، به دلیل تحولات تاریخی، و ژئوپولیتیکی ایران نقش بسیار مهمی در مرکز دایره ای دارد که تحولات اروپا - آسیا و هندو پاسیفیک و آفریقا را در خود جا میدهد.



The struggle for geopolitical interests in this vast region is already extremely tense, and yet it is being little studied or understood by most strategic policymakers; indeed, it does not receive significant international media or academic attention, perhaps largely because the traditional great powers — and the People's Republic of China (PRC) — do not at present have large military deployments in the area. Even the International Coalition's commitment to the wars in Iraq and Afghanistan relied on the quiescence of the Indian Ocean to be able to project force into the litto-

erals.

تلاش هایی که در ارتباط با منافع استراتژیک در این منطقه بسیار بزرگ در جریان است بسیار تنگاتنگ و مهم است، و در ضمن کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و کمتر از سوی استراتژیست ها مورد مطالعه قرار گرفته است؛ به راستی که توجه چندانی در جامعه بین المللی و میدیا و بین آکادمیسین ها و شاید به دلیل وضعیت قدرت های بزرگ – و جمهوری خلق چین، در حال حاضر تحولات عمده نظامی در آن چشم نمیخورد. حتا تعهد های همبسته بین المللی در رابطه با جنگ عراق و افغانستان بر تحولاتی که در اقیانوس هند جاری است استوار بوده و در کناره آن تکیه میکند.

The geography of the Indian Ocean is extremely important, and this will become evident in the coming decades. It is a dominant world source of hydrocarbon energy, and in the 21st Century the role of energy for the economic wellbeing and security of nations is decisive. Indeed history is geography in motion.

جغرافیای اقیانوس هند بسیار مهم و با اهمیت است، و این پدیده آشکار در دهه های اخیر بسیار جلب توجه کرده است. دنیا بر تسلط بر منابع انرژی هیدرو کربن میچرخد، و در قرن ۲۱ نقش انرژی برای بهزیستی اقتصادی و امنیت ملت ها اهمیت بسزایی دارد. بر راستی که تاریخ جغرافیای در حرکت است.

From ancient times, this region, as Sir Arnold Wilson² also put it, has been of much interest to geologists, archeologists, historians, geographers, merchants, statesmen, and students of strategy.

از زمان های باستان، این منطقه، همانطور که سر آرنولد ویلسون میگوید، مورد توجه زیست شناسان، باستان شناسان، تاریخ نگاران و جغرافی دانان، بازرگانان، رهبران کشور ها و دانشجویان و پژوهشگران استراتژی بوده است.

The Indian Ocean and its littorals are the center of communications and competition for energy and minerals. Almost all conquerors from ancient times to the 18th Century — such as Darius the Great, Alexander the Great, Tamerlane, Mahmud of Qazni, Babur (who founded Mughal Empire of India), and Nader Shah — all passed from strategic plain of Herat through the majestic Khyber pass to India. Sultan Mahmud from Ghazni invaded India 17 times.

اقیانوس هند و کرانه های آن در مرکز تماس ها و مسابقه برای یافت انرژی و منابع زیر زمینی میباشد. بسیاری از فاتحان قدیمی به ویژه تا قرن ۱۸ – همانند داریوش بزرگ، اسکندر، تیمور لنگ، محمود غزنوی، بابور (بنیانگذار امپراتوری موگال هندوستان) و نادرشاه – بوده و همه از جلگه استراتژیکی هرات پس از گذر از گذرگاه خیبر به هندوستان رسیده اند. سلطان محمود غزنوی ۱۷ بار هندوستان را فتح کرده است.

The great religions of Zoroastrianism, Judaism, Hinduism, Buddhism, Christianity, Islam, and Baha'ism all originated from the lands which touch the Indian Ocean region. Indeed, it is easy to forget that 48 nation-states are either Indian Ocean littoral states, or are landlocked states which are dependent on that Ocean.³

دین های مهم از جمله، زرتشت، یهود، هندو، بودا، مسیح، اسلام و بهایی همه در سرزمین های منطقه اقیانوس هند ظهور کرده اند. بر راستی بسیار آسان است آن ۴۸ ملت (کشور) کرانه های اقیانوس هند را فراموش کرد که همگی به اقیانوس وابسته هستند.

All oceanic explorers, such as Admiral Zheng-He of China, Vasco da Gama, and Christopher Columbus, started with the Indian Ocean as their center point. In the 15th Century, Admiral Zheng-He, with 317 ships and a crew of 28,000 — including scientists, astronomers, interpreters, and medical doctors — passed through the Strait of Malacca from China, into the Indian Ocean, and from there visited the Persian Gulf. Adm. Zhang-He headed via Cape Route to the Americas. He explored or discovered America 70 years before Columbus.

همه کاوشگران اقیانوس ها، همانند آدمیرال ژنگ-هه از چین، واسکو دو گاما و کریستف کلمب از مرکز اقیانوس هند به کاوش های خود پرداختند. در قرن ۱۵، آدمیرال ژنگ هه، با ۳۱۷ کشتی و ۲۸۰۰۰ خدمه که شامل -دانش پژوه، ستاره شناس، برگردان، گروه پزشکی میشد – از تنگه مالاکا از چین وارد اقیانوس هند میشود و از آنجا است که به بازدید خلیج پارس می آید. ژنگ هه در پی رفتن به آمریکا از دماغه امید است. او ۷۰ سال پیش از کریستف کلمب آمریکا را یافته یا کشف کرده بود.

[The story of Zheng-He is documented by British naval historian Gavin Menzies in his master works *1421: The Years China Discovered America*, and *1434: The Year a Magnificent Chinese Fleet Sailed to Italy and Ignited the Renaissance*.⁴ Menzies' histories have been widely challenged — attacked — by many main-

stream historians, but history may yet vindicate his research, and, in any event, the basic theme of Zheng-He's pioneering journeys with the Chinese treasure fleets are well enough documented and accepted, even if they did not go as far as Menzies asserts.]

[داستان ژنگ هه از سوی تاریخ نگار نیروی دریایی انگلستان گاوین منزیس در کتاب مشهورش در ۱۴۲۱ زیر فرنام «سالی که چین آمریکا را یافت» و در ۱۴۳۴ «سالی که ملوان ها و ناوگان دریایی چین به ایتالیا رفت و رنسانس را بنیان گذاشت» آمده است. نگارش های تاریخی منزیس بارها مورد چالش قرار گرفته است. حمله شده- و بسیاری از تاریخنگاران مهم رد شده ولی این سند تاریخی هنوز هم بصورت یک پژوهش مستند باقی بوده و در هر رخدادی سفر ناوگان چینی به عنوان پیشتاز در میان اسناد جای خود را نگاه میدارد، پذیرفته میشود و حتی اگر کمی آنسو تر از منزیس نمی روند]

Then Portuguese, Dutch, French and Great Britain came into India Ocean and the Persian Gulf, but Great Britain outmaneuvered all and became lord paramount of the Persian Gulf and Indian Ocean for two centuries. For British, it took 11 months via the Cape of Good Hope route to come to the Indian Ocean and reach India. After the Seven Years' War with the French in the 18th Century and with treaty with Paris, the French gave up all their interests to the British East Indian Company, and the British Government found its way to Persian Gulf and Indian Ocean through Baghdad. The route through the Persian Gulf took only five months instead of 11 months, and facilitated Great Britain's leverage to dominate the region.

پرتغالی ها، هلندی ها، فرانسوی ها و بریتانیایی ها هم به اقیانوس هند و خلیج پارس آمده اند ولی بریتانیا همه آن کشور های دیگر را با تردستی دور زده و خود را برای دو قرن قادر مطلق خلیج پارس و اقیانوس هند نشان داده است. بریتانیایی ها ۱۱ ماه زمان گذاشتند تا از دماغه امید گذشته به اقیانوس هند برسند. پس از هفت سال جنگ با فرانسوی ها در قرن ۱۸ و امضای قرار داد پاریس فرانسه از منافع خود در اقیانوس هند چشم پوشی کرد و آنرا به کمپانی هند شرقی (انگلستان) واگذار کرد، بدین ترتیب دولت انگلستان پایش از راه بغداد به خلیج پارس و اقیانوس هند باز شد. راهی که به خلیج پارس باز شد بجای یازده ماه پنج ماه بیشتر بدرازا نرفت، و تسلیات زیادی برای تسلط انگلستان به منطقه در اختیار بریتانیا گذاشت.

Finally, the British Government after two centuries withdrew from the Persian Gulf in 1971.⁵ Immediately thereafter, Iran regained its control over three strategic islands of Greater Tunb, Lesser Tunb, and Abu Musa at the mouth of Straits of Hormuz. Indeed, Iran became the true gate keeper of the Persian Gulf with its unique position and active diplomacy and power projection in the regional and global geopolitical framework.

بالاخره، دولت بریتانیا پس از دو قرن در سال ۱۹۷۱ از خلیج پارس رانده شد. پس از آن بدون درنگ، ایران کنترل سه جزیره استراتژیک تنب بزرگ، تنب کوچک و ابو موسی و دهانه هرمز را در اختیار گرفت. براسستی این زمان است که ایران دروازه بان خلیج پارس به حساب میآید و در این وضعیت بسیار بی نظیر است که نقش دیپلماسی و قدرت منطقه ای که در چهار چوب ژئوپولیتیک جهانی موثر است را بازی میکند.

Indian Ocean waters directly touch 37 countries (depending on how the Indian Ocean perimeters are measured) and almost 1.8-billion people, with a significant number of Muslim states. Indeed the Indian Ocean is the heart of the world and, simultaneously, of the arc of Islam. This important ocean is, at its broadest reach, 6,200 miles (10,000 km) wide and 4,000 miles from north to south: an area of 73,556,000 sq.km (28,400,000 sq. miles), including the Red Sea and Persian Gulf.

آبهای اقیانوس هند کرانه های ۳۷ کشور (بستگی دارد که چطور محدوده اقیانوس هند اندازه گیری شود) تقریباً ۱٫۸ بلیون تن که شمار قابل توجهی از آنان مسلمان هستند را در بر میگیرد. براسستی که اقیانوس هند قلب تپنده دنیا است و همزمان مراکز فعال اسلامی را در خود جا داده است. این اهمیت اقیانوس در بیش از ۶،۲۰۰ مایل (۱۰،۰۰۰ کیلومتر) ساحل و بیش از ۴،۰۰۰ مایل از شمال به جنوب مساحتی بالغ بر ۷۳،۵۵۶،۰۰۰ کیلومتر مربع (۲۸،۴۰۰،۰۰۰ مایل مربع) را شامل میشود که دریای سرخ و خلیج پارس را نیز در خود دارد.

It is the center of several different arms races, as well as the home to low and high intensity conflicts, fundamentalism, political Islam, and Islamic *jihad* movements which would like to replace the West with an Islamic order. Terrorism, the Israeli-Palestinian conflict, the civil and secessionist wars underway in Syria, Iraq, and Yemen are just part of the instability in the region. As well, the nuclear issue between the US and

the 5+1 group on the one hand and Iran on the other, is so significant that, if it is not settled, could lead to war.

مرکز مسابقه های تسلیحاتی چندین کشور است، همچنین صحنه اختلاف های منطقه ای شدید، اقتدار گرایی، اسلام سیاسی، و جنبش های اسلام جهادی، و همچنین تفکری که می خواهد ارزشهای غربی را با داده های اسلام جایگزین کند. تروریسم، درگیری های اسرائیل و فلسطین، از جمله جنگ های خانگی، اختلاف های مذهبی- قبیله ای که در عراق و سوریه و در یمن در جریان است بخشی از بی ثباتی منطقه را در بر میگیرد. همچنین، موضوع انرژی اتمی که مورد اختلاف آمریکا و ۵+۱ در یک سو و ایران از سوی دیگر قرار دارد که اهمیت ویژه خود را دارد و هنوز به نتیجه نرسیده است و ممکن است به جنگ منتهی بشود.

Conflict between India and Pakistan over Kashmir and other issues, and rivalry between India and the PRC, and the potential for ongoing instability in Afghanistan, contribute to making this region tense. With the warming of relations between US and India, and the evolution of a new strategic relationship between Washington and New Delhi, Pakistan may seek a closer relationship with the PRC and a new approach to Russia. But none of this is static or clear. The US in November 2014 began attempting to rebuild its strategic relationship with Pakistan. Russia sent its Defense Minister to Islamabad. US Pres. Barack Obama made a significant State visit to India for India's National Day in January 2015, and so on.

اختلاف بین پاکستان و هندوستان در رابطه با منطقه کشمیر و دیگر مسایل مبتلابه هندوستان و PRC و احتمال بهم خوردن ثبات افغانستان عوامل دیگری است که منطقه را بی ثبات میکند. با زمینه بهتر شدن روابط بین آمریکا و هندوستان و تحول های استراتژیکی بین واشنگتن و دهلی نو، ممکن است پاکستان بخواهد روابط نزدیک تری با جمهوری خلق چین یا PRC بهم بزند و به روسیه نزدیک بشود. اما هیچ یک از این ها قطعی و روشن نیست. در نوامبر ۲۰۱۴ آمریکا قصد این را کرد تا روابط استراتژیکی خود با پاکستان را توسعه بدهد. روسیه وزیر دفاع خود را به اسلام آباد فرستاد. رییس جمهور آمریکا باراک اوباما یک بازدید بسیار مهم از هندوستان آنها در روز ملی هند در ژانویه ۲۰۱۵ انجام داد.

Russia, with a naval base in Syria and supporting the Government of Syrian Pres. Bashar al-Assad, also has a significant strategic relationship with Iran, and is therefore — again — integrally involved in the geopolitical contest in the Indian Ocean. The Middle East and the Indian Ocean region are in the middle of great transformation and many of its states are unstable.

روسیه، با داشتن پایگاه های دریایی در سوریه دولت پرزیدنت بشار اسد سوریه را پشتیبانی میکند، و همچنین روابط استراتژیکی و مهمی را با ایران دارد، و بنابراین — باز هم — بطور همه جانبه در مسابقه ژئوپولیتیک اقیانوس هند دخالت دارد. خاورمیانه و اقیانوس هند مرکز یک تغییر و تحول مهم است که بسیاری از کشورهای منطقه را بی ثبات میکند.

The US, with bases in Bahrain, Qatar, Djibouti, and Diego Garcia, has focused on sea lane security and close relations with Persian Gulf states, is still a great player in the region. The US is becoming more involved in this region, once again, with the war against the Islamic Caliphate and terrorism. But it is the US interest in Far East, to check the growing power of the PRC, and its engagement in Europe with the crisis in Ukraine, which holds the greater potential for state-on-state conflict.

آمریکا با داشتن پایگاه های در بحرین، قطر، جیبوتی، دیگو گارسیا، تمرکز خود را بر روی امنیت کرانه ها و روابط در میان کشورهای منطقه خلیج پارس حفظ کرده است و هنوز بزرگترین بازیگر منطقه بحساب می آید. بنظر میرسد آمریکا، بار دیگر، در منطقه درگیر شده و با جنگ علیه اسلام خلیفه گری و تروریسم روبرو است. اما منافع راستین آمریکا در خاور دور است، برای رسیدگی به افزایش قدرت PRC و روابط تنگاتنگش در اروپا و گرفتاری هایی که در اوکراین در جریان است نیروی ذخیره شده اش را ناچار در درگیری های کشور بر کشور مصرف میکند.

It is not easy for international analysts, or even US policy observers, to properly understand US policy. The new 29-page national security document which was introduced on February 6, 2015, by the Barack Obama Administration as the US' 2015 *National Security Strategy* (NSS) was important document, but gives no real clue as to how US could be able to face the various significant problems in most part of the world, a world which is functioning in new ways. It is necessary for the US to devise a grand strategy not only to deal with ever increasing crises but especially regarding rapid rise of the PRC. The crisis in South China Sea, for example, could soon lead to a confrontation.

برای تحلیل گران بین المللی آسان نیست یا حتی برای سیاستمداران آمریکا روشن نیست چگونه سیاست آمریکا را تنظیم کنند. گزارش امنیت ملی ۲۸ برگی تازه ای که ۶ فوریه ۲۰۱۵ از سوی دولت آقای باراک اوباما بیرون آمده، گرچه استراتژی امنیت ملی آمریکا (NSS) در سال ۲۰۱۵ را بر اهمیت نشان میدهد ولی در بیشتر موارد راهکار و کلید درستی برای حل مشکلات درهم و پیچیده در گوشه کنار جهان بدست نمی دهد، جهانی که در سال نو میلادی در تب و تاب است. لازم است تا آمریکا تجدید نظر و تغییر مسیری در استراتژی خود نه تنها با افزایش روز افزون تنشج ها بلکه به ویژه در رابطه با رشد سریع PRC بعمل آورد. تنشج ها در دریای جنوبی چین، بطور نمونه ممکن است به یک درگیری منتهی شود.

The US was, by the beginning of 2015, the world's largest producer of oil and natural gas and this ended its dependence on Middle Eastern, Nigeria and Gulf of Guinea, and Venezuelan supplies. Indeed, it has for many years seen its dependence on Middle Eastern oil decline; by mid-2014 some 20 percent or more of US imported oil came from the Gulf of Guinea. But the US energy situation could be set back if world oil prices remain low (ie: below \$50 a barrel) for the coming year or more: highly-leveraged US shale oil development firms may not be able to sustain investment and production if production costs exceed sales prices. If the US returns to the global energy market, it could also see the US revive its interest in Middle Eastern oil and gas production, and therefore the Indian Ocean sea lanes.

در آغاز سال ۲۰۱۵ آمریکا، بزرگترین تولید کننده نفت و گاز طبیعی در دنیا بحساب می آمد و وابستگی خود به نفت خاورمیانه، نیجریا و خلیج گینه و ونزویلا را پایان داده بود. سالها بود که بنظر میرسید وابستگی اش به نفت خاورمیانه کم شده است؛ در میانه سال ۲۰۱۴ بیست درصد یا بیشتر واردات نفت آمریکا از خلیج گینه کمتر شده بود. اما وضعیت انرژی در آمریکا میتواند عقب گرد کند اگر قیمت نفت همچنان پایین بماند (نمونه، کمتر از ۵۰ دلار برای هر بشکه) در سالی که پیش رو است شرکت های تولید کننده «نفت از خاک shale» قادر نخواهند بود سرمایه گذاری های خود را محفوظ بدارند و تولید بیشتر از قیمت فروش تمام خواهد شد. آمریکا تولید و بازار انرژی جهانی را دگرگون میکند و همچنین میتواند توجه خود به نفت و گاز خاورمیانه را تغییر بدهد، همچنین به کرانه های اقیانوس هند بی توجه بشود.

Apart from funding war between Sunni and Shi'a communities in the region, Saudi Arabia has exported Wahhabist-based *jihadism* into the Balkans, the Caucasus, South Asia, and elsewhere. But the same applies to Qatar, which hosts the major US military basing on the Arabian Peninsula. The United States has for some time closed its eye to Saudi and Qatari activities. Geopolitically surrounded by enemies and the serious threat of the Islamic Caliphate — which essentially sprang from support for *jihadist* groups from Turkey, Qatar, and Saudi Arabia — and internally it is faced with an unhappy Shi'a minority and a restless younger population. The challenge facing the new Saudi Administration of King Salman bin 'Abd al-'Aziz al Sa'ud.

دور از پشتیبانی مالی و تسلیحاتی در جنگ سنی و شیعه جاری در منطقه؛ عربستان سعودی وهابی هایی که بنیان جهادی ها در بالکان، قفقاز، آسیای جنوبی و جاهای را تشکیل میدهند پشتیبانی میکند. همینطور قطر که در پایین شبه جزیره عربستان پایگاه های آمریکا را تامین میکند. آمریکا برای مدتی چشم خود را بست تا تلاش های سعودی و قطر را نبیند. ولی در این منطقه ژئوپولیتیکی از سوی دشمنانی که خلافت های اسلامی خوانده میشوند احاطه شده است. که در اصل از گروه های جهادی ترکیه، قطر، و عربستان سعودی بیرون آمده اند. در داخل نیز عربستان با اقلیت شیعه و جمعیت جوان در تحول روبرو است. چالش بزرگی دولت تازه امیر سلمان بن عبدالعزیز السعود را درگیر کرده است.

Oman, which dominates the southern littoral of the Strait of Hormuz, faces challenges itself, at this critical time on the Arabian Peninsula. As Yemen falls into disunity, and possible renewed civil war between North and South, and Saudi Arabia battles its transition, Oman must now consider a leadership transition after four decades of stability and growth. Sultan Qaboos bin Sa'id al-Said has been fighting cancer in a German hospital since July 2014.

عمان، که در کرانه جنوبی تنگه هرمز قرار دارد، با چالش بزرگی در درون خود روبرو است و در این زمان بسیار پر اهمیت در جنوب شبهه جزیره عربستان واقع است. اگر یمن به دامن یک جنگ داخلی بین شمال و جنوب بیافتد آنگاه عربستان سعودی با تنش جنگ مواجه خواهد شد و عمان بایستی در فکر تغییر رهبری بیافتد و از اینرو برای دهه ها امنیت و ثبات آن بهم هم خواهد ریخت. سلطان قابوس بن سعید السعید با بیماری سرطان دست و پنجه نرم میکند و از جولای ۲۰۱۴ در بیمارستان است.

With the growing geopolitical importance of Iran and its role of in the war against the Islamic Caliphate, US policy and interests has come to parallel that of Iran in many ways. Much, then, depends on the diplomatic negotiations now underway.

India, meanwhile, is geographically well-placed to project power from the Eurasian landmass into the Indian Ocean. Indeed, it is the anchor into to the Indian Ocean proper which Iran is to the Persian Gulf. The security of sea lanes passing across the Indian Ocean is vitally important for the People's Republic of China (PRC), as well as for the states of the Association of South-East Asian Nations (ASEAN), Japan, South Korea, Taiwan (Republic of China), and Australasia.

با افزایش اهمیت ژئوپولیتیک ایران و نقش آن علیه اسلام خلیفه گری، سیاست آمریکا و منافعی در بسیاری موارد به موازات منافع ایران قرار گرفته است. بسیاری از این اهمیت به مذاکرات دیپلماتیکی که در حال حاضر در جریان است بستگی دارد. هندوستان؛ همچنین، در ژئوپولیتیک منطقه در جای بسیار مهمی قرار گرفته است که از ناحیه پر جمعیت «اروپا-آسیا» بر اقیانوس هند سایه افکنده است. به راستی اینکه؛ خلیج پارس لنگر بسیار مهمی در حاشیه اقیانوس هند است. امنیت کرانه های اقیانوس هند همانقدر برای جمهوری خلق چین (PRC) مهم است که برای شورای کشورهای جنوب شرقی (ASEAN)، ژاپن کره جنوبی، تایوان (جمهوری چین) و استرالیا.

The PRC has a huge — even existential — interest in the Indian Ocean. It receives 80 percent of its energy from Persian Gulf and Africa through the Indian Ocean and via the Strait of Malacca. With the big deep water port in Gwadar, in the Baluchistan province of Pakistan, and with refueling facilities there and elsewhere in the Ocean, the PRC can monitor oil and commercial traffic from the Persian Gulf to the Strait of Malacca and on to China.

جمهوری خلق چین (PRC) - در همزیستی- منافع موجود در اقیانوس هند است. ۸۰ درصد انرژی خود را از خلیج پارس و آفریقا ولی از راه اقیانوس هند و تنگه مالاکا بدست میآورد. بندر گوادر در آبهای ژرف کرانه بلوچستان پاکستان جای مناسبی است با قدرت بار اندازی و سوختگیری، جمهوری خلق چین میتواند گذر بازرگانی نفت را از خلیج پارس به تنگه مالاکا تا چین را نظارت بکند.

Australia, like the US, faces two main oceans, and Australia controls some 8,000 miles of Indian Ocean coastline (7,500 miles — 12,000 km — of it in the State of Western Australia alone). Australia has vital interest in the security of the Indian Ocean. Imports of industrial products from the PRC, Japan, the Republic of Korea, and Europe, and oil from the Persian Gulf are vital to Australia for its economy, and exports of natural gas, coal, iron ore and other minerals, and agricultural produce from Western Australia to the PRC, Japan, and other Asia-Pacific states via the Indian Ocean make it the most significant trade ocean for Australia.

استرالیا، همانند آمریکا، با دو اقیانوس روبرو است، و استرالیا نزدیک به ۸,۰۰۰ مایل از کرانه اقیانوس هند را (در فاصله ۷,۵۰۰ تا ۱۲,۰۰۰ کیلومتر از ایالت غربی استرالیا) در کنترل دارد. استرالیا منافع بسیار مهمی در امنیت اقیانوس هند دارد. اهمیت صنایع تولیدی جمهوری خلق چین، ژاپن، و جمهوری کره و اروپا از خلیج پارس برای استرالیا و اقتصاد آن اهمیت ویژه ای دارد، و از این راه گاز طبیعی، ذغال سنگ، آهن و سنگ معدنی و دیگر مواد معدنی را حمل میکند. تولیدات کشاورزی از غرب استرالیا به جمهوری خلق چین، ژاپن و دیگر نقاط در آسیای پاسیفیک و اقیانوس هند این اقیانوس را برای استرالیا بسیار پر اهمیت میکند.

The 16th Century navigator Admiral Alfonso Albuquerque, after establishing Portuguese interests in the Persian Gulf, noted in 1576:

در قرن ۱۶ دریانورد آدmirال آلفونزو آلبوکرک، پس از برقرار کردن منافع پرتغال در خلیج پارس در ۱۵۷۶ نوشت:

“There are three places in India that serve as markets of all commerce in that part of the world. The first is the Malacca at the exit to the Strait of Singapore. The second is Eden in the entry and exit of Strait Red Sea. The third is Hormuz at the entry and exit of the Strait of the Persian Gulf. This City of Hormuz is, according to my idea, the most important of them all. If the King of Portugal had made himself master of Eden with a good fortress such as those of Hormuz and Malacca, he will have been called Lord of all world. With these three key straits in hand, he may shut the doors against all commerce.”

«سه نقطه در اقیانوس هندوستان هست که بازار تجارت در این منطقه مهم دنیا را تامین میکند. نخستین آن مالاکا در خروجی تنگه سنگاپور است. دومین آن در عدن و در دهانه دریای سرخ قرار دارد. سومین آن هرمز است که در خروجی دهانه خلیج پارس قرار گرفته است. این شهر هرمز، به نظر من، مهمترین آنها است. پادشاه پرتغال خودش را به دلیل موقعیت سوق الجیشی هرمز و مالاکا فرمانروای عدن قرار داده است. او فرماندار جهان خوانده می شود. با این سه کلید در دست او میتواند درهای بازرگانی را به روی همه ببندد.»

Now the three gates to entry and exit to the Indian Ocean for trade and the flow of energy are of vital importance because of the transforming global situation. If global trade is to remain stable, it would be necessary for those sea highways to remain secure. The Strait of Hormuz, which for 200 years was a crossroads of empire, now has become the international crossroads of the world for energy and commerce depends on security this sea route.

حال سه دروازه ورودی و خروجی در اقیانوس هند به منظور تجارت انرژی را هم جریان میدهد که دارای اهمیت ویژه است به این دلیل که وضعیت دنیا در حال تغییر است. اگر بازرگانی جهانی با ثبات بماند، اگر لازم خواهد بود تا شاهراه های دریایی در امنیت بمانند. تنگه هرمز که برای ۲۰۰ سال گذر امپراتوری بوده است حالا امنیتش در این راه به گذرگاه بین المللی انرژی و بازرگانی جهان مبدل شده است.

The Persian Gulf is considered the Western hand of the Indian Ocean. Its length is 500 miles and its width 180 miles and around 26 miles at the Strait Hormuz. It is like bottle of wine with its cap is in the hands of Iran. That is why the stability of Iran is of utmost importance for security the Persian Gulf and sea lane that is the jugular vein of international trade and communications. However, Israeli opposition to Iran — after some 2,500 years of strong links between Persia/Iran and the Jewish/Israeli community — goes beyond the nuclear issue and focuses on the regional balance of power which may now be going against Israel's favor. Iran is already a nuclear weapons state, and will soon (if it is not already) be in a position to undertake ongoing manufacture of nuclear weapons. It is clear that Iran will not relinquish its nuclear goals, so external interests (those of the US, Israel, and others) may have to accommodate that reality, just as the nuclear capabilities of Israel, India, and Pakistan have been accommodated.

خلیج پارس بازوی غربی اقیانوس هند بشمار میرود. درازای آن ۵۰۰ مایل و پهنای آن ۱۸۰ مایل و در تنگه هرمز ۲۶ مایل است. همانند بطری شرابی میماند که چوب پنبه آن دست ایران است. این دلیل آن است که ثبات و امنیت ایران به امنیت و اهمیت خلیج پارس و خط دریایی بستگی دارد که گرداننده بازرگانی و تماس های بین المللی بوده و به اهمیت آن می افزاید. بهر حال، مخالفت ها و رودرروی اسرائیل با ایران — پس از ۲۵۰۰ سال روابط بسیار ژرف ایران و یهود/اسرائیل- به ماورای مسئله اتمی میرود و در رابطه با موازنه قوا در منطقه که به ضرر اسرائیل میچرخد قرار دارد. ایران به هر ترتیب امروز یک نیروی آماده برای بمب اتم است. و بزودی (اگر نه در حال حاضر) در وضعی قرار خواهد گرفت که بتواند اسلحه اتمی بسازد. روشن است که ایران منافع و حقوق اتمی خود را تسلیم نخواهد کرد، بنابراین (همانند آمریکا، اسرائیل و دیگران) و شاید امکان این باشد که در حقیقت اینکار را بکنند، همانطور که اسرائیل، هند و پاکستان دارای قابلیت هسته ای کرده اند.

If an Iranian deal with the US does not eventuate, and pressures continue, Iran would not hesitate to become an actual nuclear state in the comprehensive sense of that phrase. And for the United States the only option remaining would be a containment policy or a form of accommodation. Any deal short of leaving Iran a potential nuclear state will not be accepted by Iran. It is the geopolitical situation which dictates the direction of Iranian foreign policy. No matter who rules in Iran, whether it is a Shah, a cleric, or secular democracy: the possession of a comprehensive military nuclear capability will be the national security doctrine of Iran for as long as nuclear weapons hold strategic efficacy.

اگر یک معامله بین آمریکا و ایران حاصل نشود و فشار افزوده شود. ایران درنگ نخواهد کرد تا در فاز بعدی به یک قدرت اتمی بالقوه مبدل شود. این برای آمریکا تنها گزینه ای که درگیری در سیاست مهار باشد را باقی خواهد گذاشت. هرگونه معامله و توافقی که ایران را از حقوق هسته ای خودش ساقط کند از سوی ایران پذیرفته نخواهد بود. وضعیت ژئوپولیتیکی است که این امر را دیکته میکند و سیاست خارجی ایران را رقم میزند. مهم نیست چه کسی در ایران اداره امور را دارد، چه شاه یا یک ملا، یا یک دموکراسی سکولار؛ در اختیار داشتن یک نیروی نظامی هسته ای قابل تضمین کننده امنیت ملی در دکتترین ایران قرار خواهد گرفت، تا زمانی که تسلیحات اتمی تضمین کننده استراتژی ها هستند.

A diplomatic failure could cause a war which would catapult the region to chaos and instability, detrimental to the world economy and peace. And chaos and instability would, in any event, facilitate or accelerate Iran's nuclear program. That is why it is important that the US *rapprochement* with Iran succeeds.

The clerical rule, which is an aberration in Iranian history, is rejected by the great majority of Iranian people. It has already begun to transform since the 1979 revolution, and inevitably will be replaced by a secular government. Iran with its great humanist civilization, a cultural identity which radiates far beyond its borders, its human resources and geopolitical importance, can play decisive role in the stability and equilibrium of the greater Middle East and Indian Ocean. With the eventual turn of the policy direction of Iran, it is logical that the historical relationship between Iran and the Jewish state of Israel would then be resumed.

هرگونه شکست دیپلماتیک میتواند به جنگ مبدل بشود که منطقه را به آتش نابودی خواهد کشاند و ثبات منطقه را بصورت آشوب در خواهد آورد که مضر و مخرب در اقتصاد جهانی و صلح خواهد بود. این آشوب و بی ثباتی در هر صورت میتواند ایران را در دست یابی به نیروی اتمی شتاب بدهد. به این دلیل است که مهم است تا برقراری روابط حسنه آمریکا با ایران اهمیت به سزایی دارد تا به پیروزی برسد.

نقش ملایان، یک نقش انحرافی توأم با عوامفریبی و فساد در تاریخ ایران است که از سوی اکثریت بزرگ ایرانیان مردود است. این تغییر و تغیر از همان سال ۱۹۷۹ آغاز شده است و به هر صورت از سوی یک دولت سکولار جایگزین خواهد شد. ایران با پیشینه تمدن و حقوق بشر، یک نقش فرهنگی که در ماورای مرزهایش اثر گذار بوده است، نیروی انسانی و اهمیت ژئوپولیتیکی اش می تواند نقش بسیار مهمی در موازنه و امنیت خاورمیانه بزرگ، اقیانوس هند بعهدده داشته باشد. با ناچاری تغییر جهت سیاست از سوی ایران بسیار منطقی است تا روابط تاریخی بین ایران و دولت یهودی اسرائیل به حال عادی در آید.

Footnotes:

This article also published in World Tribune. Click here:

<http://www.worldtribune.com/2015/02/18/indian-ocean-emerging-central-nexus-21st-century-geopolitics>

1. Dr Assad Homayoun is a former diplomat, and is a senior fellow of the International Strategic Studies Association, as well as President of Azadegan Foundation.
 2. As noted in Sir Arnold Wilson's book, *The Persian Gulf*, published in 1928.
 3. As noted in *Such a Full Sea: Australia's Options in a Changing Indian Ocean Region*, by Gregory R. Copley and Andrew Pickford. Melbourne, 2009: SidHarta Publishers Pty. Ltd. This number does not include, for example, the Australian Indian Ocean territories nor some other states, such as Sikkim, which are Indian Ocean-dependent.
 4. Menzies, Gavin: *1421: The Years China Discovered America*, London, 2002; published by Bantam Press. And *1434: The Year a Magnificent Chinese Fleet Sailed to Italy and Ignited the Renaissance*, New York, 2009: Harper Collins.
 5. Significantly, as UK Foreign Secretary Philip Hammond announced on December 6, 2014, Britain re-established a permanent naval base "East of Suez", by deploying warships to Bahrain. The Bahrain facilities being used by four Royal Navy minesweepers were to be upgraded at a cost of £15-million to form a permanent base at Mina Salman port, and would host major RN warships. France had already invested, in 2009, in creating a permanent air, naval, and land base in Abu Dhabi, in the UAE.
-